

## تأثیر هوش مصنوعی بر قدرت نرم دولت‌ها علی باقری دولت آبادی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

### چکیده:

هوش مصنوعی به سرعت در حال تغییر دادن جهان سیاست و مفاهیم آن است. یکی از این مفاهیم، مفهوم قدرت نرم است. پرسش اصلی مقاله این است که هوش مصنوعی چه تأثیری بر قدرت نرم دولت‌ها و منابع آن گذاشته است؟ فرضیه پژوهش این است که هوش مصنوعی امکان بهره‌گیری از منابع قدرت را بیشتر و ابزارهای بکارگیری آن را کارآمدتر و گسترده‌تر ساخته است. برای انجام پژوهش حاضر از روش کیفی از نوع تحلیلی-تبیینی و شیوه گردآوری داده به صورت کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند هوش مصنوعی علاوه بر تحت تأثیر قراردادن منابع سه‌گانه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی که مورد تأکید جوزف نای است به بهبود تصویر بیرونی دولت‌ها منجر شده است. همچنین این فناوری به دولت‌ها کمک نموده است تا آسان‌تر نسبت به تغییر نگرش و ترجیحات مردم دیگر کشورها اقدام نمایند و از روش‌ها و ابزارهای جدیدی بهره‌گیرند. علاوه بر این، هوش مصنوعی قدرت خلق انواع مختلف محتواهای متنی، تصویری و صوتی در کمترین زمان ممکن، به زبان‌های مختلف، با بالاترین کیفیت و امکان تجزیه و تحلیل داده‌های در دسترس و پیش‌بینی آینده را فراهم ساخته است.

**واژگان اصلی:** هوش مصنوعی، قدرت نرم، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، سیاست خارجی، فناوری.

۱. استاد روابط بین‌الملل، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

یکی از عرصه‌های علمی که به شدت در حال تحت تاثیر قرار دادن ابعاد مختلف زندگی بشر است هوش مصنوعی<sup>۱</sup> است. افکار عمومی عموماً هوش مصنوعی را با پیشرفت های حاصل شده در حوزه آموزش (آموزش هوشمند و دیجیتال)، بهداشت (تشخیص بیماری های مختلف و درمان آنها با استفاده از فناوری های جدید) و کاربردهای نظامی (ساخت پهپاد و سلاح های خودکار و خودران) می شناسند؛ اما دامنه این دانش بسیار گسترده تر از آن چیزی است که در نگاه اول در ذهن ترسیم می شود. این دانش که حاصل در کنار هم قرار گرفتن علوم مختلف شامل ریاضی، آمار، احتمالات، عصب شناسی محاسباتی و علوم کامپیوتر و مجموعه ای از تکنولوژی و روش های کامپیوتری است می کوشد تا به توانایی های شناختی و عملی انسان توسط ماشین های هوشمند دست یابد (Mckinsey, 2023:1). به بیان آرسزاتی<sup>۲</sup> «هوش مصنوعی هم به یک حوزه علمی و هم به مجموعه وسیعی از فناوری ها اشاره دارد که وظایفی را که عموماً اعتقاد بر این است که به هوش انسانی نیاز دارند، مانند تصمیم گیری از طریق جمع آوری، پردازش و تفسیر داده ها انجام می دهند» (Arcesati, 2021:1). این دانش به انسان کمک خواهد نمود تا بسیاری از وظایف کسل کننده ای را که تا دیروز از انجام آن ابا داشت را با سرعت و دقت بالاتری انجام دهد. بنابراین از این به بعد هوش مصنوعی تولید محتوا کرده، دست به تجزیه و تحلیل زده و آینده را پیش بینی خواهد کرد. به همین خاطر برخی محققین همچون کومار و باترسه آشکارا پیش بینی می کنند که در آینده نزدیک ربات ها جای انسان را در عرصه های مختلف خواهند گرفت و «ربات هایی که سریع تر، قوی تر و دقیق تر هستند، تعیین می کنند که چه کسی پیروز میدان است» (Kumar & Batarseh, 2020:2).

طی دو دهه اخیر برنامه نویسان هوش مصنوعی بدنبال ماشین هایی بوده اند که در فعالیت هایی که مغز انسان قادر به انجام آن است، عملکردی مشابه یا معقول داشته باشد. این کارکردها شامل تولید، تجزیه و تحلیل و پیش بینی است. اهمیت این مساله موجب گردیده تا رقابتی شدید و نزدیک بین قدرت های بزرگ برای پیشتازی در این حوزه شکل بگیرد. آنها می کوشند تا از هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای شکل دادن به افکار بین المللی و تعیین چشم انداز ژئوپلیتیک جهان در آینده استفاده نمایند. به همین خاطر باید گفت جهان پیش رو جهانی متفاوت از آنچه در قرن بیستم تجربه گردید، خواهد

<sup>1</sup> Artificial Intelligence

<sup>2</sup> Arcesati

بود و به گفته ایوانا بارتولتی<sup>۱</sup> هوش مصنوعی با پتانسیل دگرگون‌کننده و بی‌نظیری که در درون خود دارد شکل جامعه را تغییر خواهد داد (Bartoletti, 2023:1). این تغییر نه فقط در عرصه عمل و حوزه‌های کارکردی بلکه در حوزه‌های مفهومی و انگاره‌ای<sup>۲</sup> نیز شکل خواهد گرفت. بر همین اساس پرسش اصلی مقاله این است که هوش مصنوعی چه تاثیری بر قدرت نرم دولت‌ها و منابع آن گذاشته است؟ فرضیه پژوهش این است که هوش مصنوعی امکان بهره‌گیری از منابع قدرت را بیشتر و ابزارهای بکارگیری آن را کارآمدتر و گسترده‌تر ساخته است. برای انجام پژوهش حاضر از روش کیفی از نوع تحلیلی-تبیینی استفاده شده است. داده‌های پژوهش از منابع دست اول و با مطالعه آثار منتشر شده در منابع بین‌المللی به زبان انگلیسی و به شیوه کتابخانه‌ای تهیه گردیده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

درخصوص تأثیر هوش مصنوعی بر مفهوم قدرت نرم و ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر هیچ اثر پژوهشی به زبان فارسی و انگلیسی منتشر نشده است؛ با اینحال برخی منابع انگلیسی کوشیده‌اند با در کنار هم قرار دادن دو مفهوم فوق‌الذکر تغییرات اجتماعی در عرصه سیاست، مفهوم حکمرانی، دموکراسی، جنگ و آینده سیاست بین‌الملل را توضیح دهند. این آثار اگرچه که به فهم بیشتر هوش مصنوعی و تأثیرات آن در سیاست کمک نموده‌اند از دغدغه اصلی پژوهش حاضر دور بوده و آن را مورد توجه قرار نداده‌اند. برخی از مهمترین این آثار عبارتند از:

نارن چیتی و سابینا دیاس<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در مقاله «هوش مصنوعی، قدرت نرم و تغییرات اجتماعی» به بررسی این مساله پرداخته‌اند که چگونه فناوری‌های جدید فضایی برای تعامل و نفوذ اجتماعی مبتنی بر قدرت سخت و نرم ایجاد کرده‌اند. نویسندگان بر این باورند که این فضاها دیگر محدود به بازیگران حقیقی نیست و در آن کارگزاری‌های مجازی سازمان‌ها و افراد نیز حضور دارند. به اعتقاد آنها هوش مصنوعی را یک عامل تأثیرگذار در حال ظهور در عرصه سیاست و جامعه باید در نظر گرفت. آنها با مرور تکامل سریع هوش مصنوعی دنیایی را به تصویر می‌کشند که مرز انسان و فناوری در آن در حال محو شدن است. مقاله اگرچه توصیف مناسبی از تغییرات در حال رخ دادن در حکمرانی داخلی می‌دهد

<sup>1</sup> Ivana Bartoletti

<sup>2</sup> Ideational

<sup>3</sup> Naren Chitty Sabina Dias

اما به روشنی توضیح نمی‌دهد که هوش مصنوعی چگونه قدرت نرم را متحول می‌سازد. لونی گریس<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در مقاله «فناوری و قدرت نرم دیجیتال جدید» توضیح می‌دهد که ۸۰ درصد زیرساخت‌های حیاتی آمریکا در اختیار شرکت‌های خصوصی است. به تبع این تغییرات ماهیت قدرت نرم و پیگیری آن نیز تغییر کرده است. به باور وی در بیشتر قرن بیستم، قدرت نرم آمریکا از طریق فیلم‌های هالیوود و برندهای قدرتمند آمریکایی مانند مک‌دونالدز و شلوار جین لویز<sup>۲</sup> ارائه می‌شد اما امروزه اگرچه توانایی آمریکا برای طرح قدرت نرم باقی مانده نقش اصلی آن تغییر کرده است. اکنون با ارزش‌ترین شرکت‌های فناوری آمریکا و رهبران آن در خارج از کشور مانند ستاره‌های راک عمل می‌کنند. پس در قدرت نرم جدید فناوران و رهبران شرکت‌ها مهمترین مبلغان آمریکا محسوب می‌شوند. مقاله گذشته از کوتاه و مختصر بودن از نقش آفرینی هوش مصنوعی در ابعاد مختلف قدرت نرم غفلت کرده است.

کی. بلامکوئیست<sup>۳</sup> در پایان نامه خود با عنوان «در جستجوی قدرت نرم: حکمرانی هوش مصنوعی چینی در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ» به این پرسش پاسخ داده است که چگونه رویکرد چین برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت جهانی در تلاش‌هایش برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت هوش مصنوعی تجلی پیدا می‌کند؟ او می‌نویسد: «درک آمریکا از استراتژی هوش مصنوعی چین به دلیل تمرکز بیش از حد بر پیامدهای قدرت سخت چین ناقص است و مدل چینی حاکمیت هوش مصنوعی ممکن است بیش از آنچه قبلاً شناخته شده بود، از قدرت نرم برخوردار باشد». این اثر اگرچه در عنوان اشاراتی درخصوص جستجوی قدرت نرم توسط چین دارد اما در محتوا به خواننده توضیح نمی‌دهد که هوش مصنوعی چگونه به چین کمک نموده یا خواهد کرد تا قدرت نرم خود را افزایش دهد و در حد بیان کلیات موضوع باقی مانده است.

سونگو جو<sup>۴</sup> در مقاله «قدرت نرم در شمال شرق آسیا: استفاده از هوش مصنوعی در جنگ اطلاعاتی» به نقش هوش مصنوعی در جنگ‌های اطلاعاتی با استفاده از قدرت نرم آژانس‌های اطلاعاتی-امنیتی پرداخته است. او پس از مرور سیر تحول هوش مصنوعی در دوره مابعد انقلاب صنعتی نتیجه می‌گیرد شمال شرق آسیا در حال گذار از نظم مبتنی بر قدرت سخت از طریق قدرت

<sup>1</sup> Lonnie Garris

<sup>2</sup> Levi's jeans

<sup>3</sup> K Blomquist

<sup>4</sup> Sunggu Jo

نظامی به قدرت نرم مبتنی بر محتوای فرهنگی است. به اعتقاد وی اینترنت سرعت انتشار قدرت نرم تحریف شده را تسریع کرده و عمیقاً در زندگی انسان نفوذ خواهد کرد. از این رو انتظار می‌رود آژانس‌های امنیتی نفوذ این قدرت نرم تحریف شده بر کشور خود را تجزیه و تحلیل کنند. نقطه تمرکز مقاله فوق جنگ اطلاعاتی است؛ لذا به خواننده اطلاعات چندانی درباره تأثیر هوش مصنوعی بر قدرت نرم نمی‌دهد.

والری ام هادسون<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در کتاب «هوش مصنوعی و سیاست بین‌الملل» به تأثیراتی که هوش مصنوعی بر گردآوری داده‌ها و پیامد آن فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی می‌گذارد، می‌پردازد. نویسنده قابلیت‌های هوش مصنوعی برای انجام تحلیل گفتمان را تشریح نموده و افقی از مفاهیم و تکنیک‌های زیربنایی روابط بین‌الملل و هوش مصنوعی را پیش چشم خواننده ترسیم می‌سازد. این اثر اگرچه پیامدهای عملی ظهور هوش مصنوعی بر جهان را توضیح می‌دهد اما درباره قدرت نرم هیچ بحثی مطرح نکرده است.

هنری کسینجر<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در مقاله «چگونه روشنگری به پایان می‌رسد؟» به نقشی که هوش مصنوعی در ذخیره سازی، عملیاتی سازی، و انتقال اطلاعات می‌تواند ایفا کند، پرداخته است. او ظهور این فناوری را ادامه حرکتی می‌داند که در قرن پانزدهم و با ساخت ماشین چاپ آغاز گردید و کمک کرد دانش جایگزین ایمان گردد و عقل منشا اعمال و افکار انسان‌ها شود. وی معتقد است از نظر فکری-فلسفی، جامعه بشری برای ظهور هوش مصنوعی هنوز آماده نیست. او نسبت به نظم جدید و دنیایی هشدار می‌دهد که بر ماشین‌هایی متکی است که توسط داده‌ها و الگوریتم‌ها کار می‌کنند که تحت نظارت هنجارهای اخلاقی یا فلسفی نیستند. هشدارهای وی اگرچه می‌تواند دولت‌ها را نسبت به خطرات جنگ‌های روانی جدید هوشیار سازد اما درباره قدرت نرم توضیح و تحلیلی ندارد. مرور آثار فوق و مراجعه به سایر آثار منتشر شده نشان می‌دهد پژوهش حاضر از هر لحاظ جدید بوده و دارای نوآوری است و می‌تواند ضمن تقویت ادبیات قدرت نرم به فارسی؛ سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی را نسبت به اولویت‌های پژوهشی پیش رو در عرصه هوش مصنوعی آگاه سازد.

### ۳- پیوند هوش مصنوعی و قدرت نرم

در اروپای قرن نوزدهم، یکی از نشانه‌های بارز کشور قرارگرفته در موقعیت قدرت بزرگ،

<sup>۱</sup> Valerie Hudson

توانایی پیروز شدن در جنگ بود و این گونه بود که دولتمردان وضعیت قدرت کشورها و موازنه قدرت را در منطقه محاسبه کرده و نسبت به تعیین اولویت‌های سیاسی و نظامی بعدی اقدام می‌کردند. در عصر اطلاعات جهانی امروز، پیروزی گاهی به این بستگی ندارد که ارتش چه کسی برنده است، بلکه به این بستگی دارد که داستان چه کسی برنده است. یک روایت خوب به مردم انرژی می‌دهد و آنها را جذب می‌کند. در دنیای امروز قلب و ذهن مهمتر از جسم است. اگرچه این گفته به معنای نادیده انگاشتن توانمندی نظامی نیست، اما بیانگر این است که قدرت نظامی دیگر کافی نیست. یک ارتش قوی شاید در میدان بتواند پیروز گردد؛ اما در فضای مجازی هیچ قدرتی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کند. به گفته جوزف نای در فضای مجازی «اطلاعات قدرت را می‌سازد و افراد نسبت به گذشته به اطلاعات بیشتری چه خوب و چه بد دسترسی دارند. این قدرت نه تنها توسط دولت‌ها، بلکه توسط بازیگران غیردولتی، از شرکت‌های بزرگ گرفته تا غیرانتفاعی، جنایتکاران، تروریست‌ها و گروه‌های موقت غیررسمی قابل استفاده است» (Nye, 2020:1). اگر این فرض که اطلاعات، قدرت را می‌سازد صحیح بدانیم، آنگاه دولت‌هایی که توان ایجاد داده‌های جدید، دسته بندی داده‌ها، تجزیه و تحلیل و استنتاج آن را داشته باشند دارای قدرت بیشتری خواهند بود. این همان نقشی است که هوش مصنوعی می‌تواند ایفا کند. به همین خاطر «هوش مصنوعی در حال تبدیل شدن به یک دارایی استراتژیک برای کشورها» و متحول کردن قدرت نرم است (Carnegie Endowment for International Peace, 2019).

هوش مصنوعی قابلیت‌های بسیاری در حوزه تصمیم‌گیری، شبیه‌سازی، محاسبات، سنجش و ثبت خصوصیات اخلاقی، روانی، شخصیتی شهروندان جوامع مختلف و رهبران آنها ایجاد می‌کند که هیچ کجا توسط دیگر کشورها ثبت و اندازه‌گیری نمی‌شود. این قابلیت از قدرتی به گفته مرشایمر به نام «قدرت نهفته»<sup>۱</sup> خلق می‌شود که در جمعیت، دانش و ثروت خلاصه می‌گردد و «اساساً جنبه نظامی ندارند، اما به سرعت قابل تبدیل شدن به آن هستند و در نتیجه می‌توانند در زمان جنگ منجر به برتری شوند. آنها پتانسیل خامی هستند که یک دولت در رابطه با کشورهای رقیب خود دارد» (Mearsheimer, 2013:78).

انقلاب اطلاعات ماهیت قدرت را تغییر داده و انتشار آن را افزایش داده است. می‌توان انقلاب

<sup>1</sup> Latent Power

اطلاعات کنونی را از زمان «قانون مور»<sup>۱</sup> در سیلیکون ولی<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۶۰ تاریخ‌گذاری کرد. در حال حاضر تعداد ترانزیستورهای یک تراشه کامپیوتری هر دو سال یکبار دو برابر می‌شود. در نتیجه، قدرت محاسباتی به طور چشمگیری افزایش یافته و در آغاز قرن بیست و یکم، هزینه آن یک هزارم آن چیزی است که در اوایل دهه ۱۹۷۰ بود. در سال ۱۹۹۳، حدود ۵۰ وب‌سایت در جهان وجود داشت. تا سال ۲۰۰۰، این تعداد از ۵ میلیون فراتر رفت و امروزه بیش از شش میلیارد نفر در فضای مجازی حضور دارند و اینترنت اشیا<sup>۳</sup> ده‌ها میلیارد دستگاه را به هم متصل کرده است (Nye, 2020:2). ویژگی کلیدی این انقلاب اطلاعات، سرعت ارتباطات نیست بلکه تغییر اساسی کاهش شدید هزینه انتقال و ذخیره اطلاعات است. یک قرن و نیم پیش ارتباط آبی از طریق تلگراف بین اروپا و آمریکا امکان‌پذیر شد اما آنچه امروز رخ داده است برقراری ارتباط بین شهروندان سراسر جهان با پرداخت هزینه اندک و انتقال داده در بالاترین حجم است. امروزه مقدار اطلاعاتی که می‌تواند در سراسر جهان منتقل شود، به طور موثری بی‌نهایت است و هزینه‌های ذخیره‌سازی اطلاعات نیز به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. اطلاعاتی که زمانی یک انبار را پر می‌کرد، اکنون به راحتی در یک تراشه و حافظه کوچک جای می‌شود. به گفته جوزف نای «پیشرفت‌های فناوری منجر به کاهش چشمگیر هزینه پردازش و انتقال اطلاعات شده است. نتیجه، انفجاری از اطلاعات است و باعث ایجاد پارادوکس فراوان در اینترنت شده است. اطلاعات زیاد منجر به کمبود توجه می‌شود. وقتی مردم غرق در حجم اطلاعاتی هستند که با آنها روبرو می‌شوند، سخت است که بدانیم روی چه چیزی تمرکز کنیم. توجه به جای اطلاعات، به منبع کمیاب تبدیل می‌شود. شهرت حتی بیش از گذشته اهمیت می‌یابد و مبارزات سیاسی (که متاثر از قربت‌های اجتماعی و سیاسی است) بر سر ایجاد و از بین بردن اعتبار رخ می‌دهد. اگر اطلاعات نادرست از طرف «دوستان» باشد، حتی رسانه‌های اجتماعی می‌توانند اطلاعات غلط را معتبرتر جلوه دهند.» (Nye, 2020) این بدان معنا است که قدرت نرم که «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای به دست آوردن آنچه می‌خواهید» (Nye, 1990: 166) از راه مسالمت‌آمیز و به شکل اقناعی و ترغیبی تعریف شده بود امروزه از راه‌های کوتاه‌تر و سریع‌تری در دسترس خواهد بود. جوزف نای پیشتر اشاره کرده بود که قدرت نرم از سه منبع بدست خواهد آمد: نخست؛ فرهنگ (در اموری که برای

<sup>1</sup> Moore Law

<sup>2</sup> Silicon Valley

<sup>3</sup> Internet of Things

دیگران جذاب است)، دوم؛ ارزش‌های سیاسی (زمانی که یک دولت آن را در داخل و خارج از کشور پیگیری نماید)، و سوم؛ سیاست خارجی (زمانی که مشروع و دارای اقتدار اخلاقی تلقی شود) (Nye, 2004: 21-43). هوش مصنوعی هر سه حوزه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

#### ۴- منابع قدرت نرم در پرتو هوش مصنوعی

قدرت نرم به عنوان شکلی از قدرت ملی که مبتنی بر جذابیت فکری و فرهنگی معرفی شده عامدانه یا غیرعامدانه بوسیله بازیگران عرصه روابط بین‌الملل برای دستیابی به الزامات استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. قدرت نرم همچنین بیش از قدرت فرهنگی صرف است و شامل ارزش‌ها و ایده‌های سیاسی، نظام‌های آموزشی و اجتماعی-اقتصادی و سیاست‌های مشروع ملی است که توسط دیگر ملت‌ها و مردمان آنها پذیرفته شده است (Lee, 2011: 11). این قدرت بیش از هر کجا در فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی هر کشور نهفته است. در ادامه به بررسی این منابع پرداخته می‌شود.

#### ۱-۴ فرهنگ

فرهنگ بعد مهمی از قدرت نرم است. به نظر نای، «قدرت نرم (قدرت فرهنگی) زمانی اعمال می‌شود که یک کشور، سایر کشورها را وا دارد چیزی را بخواهند که خود می‌خواهد». توانایی تأثیرگذاری به آن چه دیگر کشورها می‌خواهند، در اصل با منابع نامحسوس مثل فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها ارتباط دارد (شیلر، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

نای ادعا می‌کند که قدرت نرم آمریکا، بر اساس صادرات محصولات فرهنگی آمریکا از فیلم، موسیقی، ادبیات، کتاب، نرم‌افزار و هنر گرفته تا کوکاکولا و لباس جین در سراسر جهان در حال گسترش است (Nye, 1990, 2012). او از تسلط آمریکا بر رسانه‌های جهانی عموماً به عنوان محرک اصلی گسترش فرهنگ آمریکایی و در نتیجه نیروی مشروعیت بخش برای تسلط آمریکا در جهان یاد می‌کند (Wang & Lu, 2008). همین تأکید باعث گردید تا سایر رقبای جهانی آمریکا نیز درصدد تقویت این بعد از قدرت خود برآیند. در راس این کشورها چین قرار گرفته است که طبق نظر کارشناسان چینی استفاده از فناوری‌های جدید برای گسترش فرهنگ و ارزش‌های چینی در سراسر جهان را در اولویت خود قرار داده است (Nye, 2021). به عبارت دیگر رقبای آمریکا به نشر الگوهای فرهنگی همچون تاریخ و پیشینه کهن، موسیقی و فیلم اکتفا نکرده و دانش‌های جدید را سرلوحه کار خود ساخته‌اند.



شاید برجسته‌ترین پیشرفت دیپلماسی عمومی جمهوری خلق چین در سال‌های اخیر، «دیپلماسی گرگ جنگجو»<sup>۱</sup> باشد که در آن دیپلمات‌ها و سخنگویان برجسته جمهوری خلق چین به پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی - به‌ویژه توئیتر - رفتند تا ابتدا تصورات جهانی پیرامون نقش چین در همه‌گیری کووید-۱۹ را اصلاح کنند. چین تلاش بیشتری برای تقویت این توئیترها با استقرار «ربات‌ها» در سیستم عامل‌هایی مانند توئیتر داشته است. تحقیقات برنامه دموکراسی و فناوری در موسسه اینترنت آکسفورد نشان داد که افزایش رسانه‌ها و بازیگران چینی در توئیتر عمدتاً توسط حساب‌های جعلی، اغلب خودکار، که دیپلمات‌ها و رسانه‌های دولتی چین را بازتوئیتر می‌کنند، هدایت می‌شوند. آنها بی‌سر و صدا پیام‌های دولتی چین را برای صدها میلیون کاربر توئیتر بازنشر می‌کنند، اغلب بدون اینکه خواننده بدانند که محتوای رسیده بدست آنها توسط دولت چین ارسال شده است (Schliebs et al., 2021). این جلوه از نقش‌آفرینی هوش مصنوعی در عرصه فرهنگی-سیاسی چین روز به روز در حال نشر و گسترش است و کشورهای دیگر نیز می‌کوشند تا از آن الگو بگیرند.

اکنون هوش مصنوعی به ابزاری تبدیل شده است تا بسیاری از تصاویر، فیلم‌ها و صوت‌های برجای مانده از گذشته با کمک این تکنولوژی بازسازی گردیده و محتواهای جدیدی برای مخاطب فراهم سازد. این محتواها به نسبت محتواهای قبلی قدرت اثرگذاری و جذابیت بصری بیشتری دارد. قطعاً در آینده نزدیک صنعت فیلم، موسیقی، کتاب، نرم افزار، ورزش، هنر و... در اثر این فناوری متحول گردیده و دیپلماسی فرهنگی کشورها را وارد عصر جدیدی خواهد ساخت.

## ۲-۴ ارزش‌های سیاسی

درخصوص ارزش‌های سیاسی اینگونه گفته می‌شود که «ارزش‌های بنیادینی که یک دولت آن‌ها را پذیرفته و سرلوحه‌ی عمل خویش قرار داده است، در صورتی که جذاب باشند و در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند، می‌توانند در نقش منابع مولد قدرت نرم ظاهر شوند» (هرسیج و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۸). جوزف نای «مردم‌سالاری، آزادی فردی، گشودگی و تحرک رو به بالا» را از جمله ارزش‌های آمریکایی برشمرده و معتقد است که قدرت نرم از طریق مکانیسم‌های ایدئولوژیک، فرهنگی و ارزش-های سیاسی پیوسته بازتوزیع می‌شود (Nye, 2002: 9-11). در قرن بیستم تمام تلاش غرب بر این

<sup>1</sup> wolf warrior diplomacy

نکته متمرکز گردید که نظام سیاسی دموکراسی و نظام اقتصادی سرمایه داری را در کل جهان نشر دهد. نشر این نظام خود به خود به منزله ترویج ارزش‌های فرهنگی غرب و نیز تولید قدرت نرم برای آن در دیگر جوامع نیز بود. اما اکنون این خواسته با نهادها و ابزارهای جدید پی گرفته می‌شود. این فناوری‌های نوین هستند که وظیفه معرفی آمریکا به جوانان دیگر کشورها را برعهده دارند. به گفته لونی گریس<sup>۱</sup> «رهبران فناوری در خط مقدم نبرد ایدئولوژیک جدید [آمریکا] هستند» (Garris, 2023).

همچنین هوش مصنوعی از طریق تأثیری که بر اطلاعات و ارتباطات می‌گذارد پویایی قدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند اطلاعات را دستکاری کنند، تبلیغات مختلف انجام دهند و حتی بر انتخابات تأثیر بگذارند. این امر پیامدهای جدی برای دموکراسی و ثبات سیاسی دارد. علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند برای ارتقای خدمات دولتی، بهبود سیاست‌گذاری و افزایش شفافیت نیز استفاده شود. کشورهایی که به طور موثر از قدرت هوش مصنوعی در حوزه سیاسی استفاده می‌کنند، می‌توانند حکمرانی خود را تقویت کرده و نفوذ خود را در صحنه جهانی افزایش دهند (Frackiewicz, 2023: 2).

این تنها نظام‌های سیاسی دموکراتیک نیستند که از این فناوری‌ها برای گسترش ایده‌ها و ارزش‌های سیاسی خود بهره می‌گیرند. نظام‌های سیاسی اقتدارگرا نیز به اشکال مختلف از این ابزارها بهره‌جسته‌اند. چین به شدت در تلاش است تا فرهنگ، ارزش‌ها و سنت‌های چینی را با استفاده از هوش مصنوعی در میان کشورها نشر دهد (Blomquist, 2022: 37). این کشور و هم‌تایانش در دوران شیوع کرونا با استفاده از همین فناوری‌ها توانستند اعمال محدودیت‌های بیشتری بر فضاهای مجازی و عمومی نموده و شهروندان خود را تحت کنترل و نظارت گیرند. این ابزارها به آنها کمک نمود تا موفقیت بیشتری در کنترل همه‌گیری کرونا داشته باشند و به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل شوند (Shafiee Seifabadi & Bagheri Dolatabadi, 2022: 135-157). در حال حاضر یکی از نگرانی‌های جدی غرب این است که این دست از کشورها با به خدمت گرفتن هوش مصنوعی و فناوری‌های جدید بتوانند بر روند تحولات سیاسی آنها تأثیر بگذارند.

توانایی تولید سریع و آسان متن‌های بی‌پایان در مورد هر موضوعی با هر لحن و زبانی توسط این کشورها یکی از نگرانی‌های جدی دولت‌های دموکراتیک است. راه‌اندازی کمپین اطلاعات نادرست توسط کاربران روسی در فضای توئیتر و فیس‌بوک و تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا

<sup>1</sup> Lonnie Garris

یکی از بحث برانگیزترین موضوعات سیاسی سال‌های اخیر بوده است (Schneider, 2023). کامارک در این رابطه می‌گوید: «فناوری‌هایی که زمانی نوید راهی برای شکستن ظلم رسانه‌های تحت حمایت دولت و دور زدن ممنوعیت اعتراضات سیاسی را می‌دادند، امروزه ابزار کسانی شده‌اند که به دنبال خشتی کردن دموکراسی در آمریکا و سراسر جهان غرب هستند» (Kamark, 2018:2).

همچنین غرب به خوبی به قدرت رهبران شرکت‌های فناوری همچون متا، گوگل، اپل و... پی برده و نقش آنها در تولید قدرت نرم را مهم می‌شمارد. آنها می‌کوشند تا از جایگاهی که این شرکت‌ها در اختیار دارند برای تأثیرگذاری بر روند رژیم‌های حقوقی هوش مصنوعی در آینده استفاده نمایند. لونی گریس در این باره می‌نویسد: «رهبران فناوری برای تغییر فرهنگ شرکت‌ها، شکل دادن به اقتصادهای در حال توسعه و تأثیرگذاری جهانی بر هنجارها و استانداردهای فناوری قدرت تأثیرگذاری دارند... رهبران فناوری باید قدرت نفوذ بزرگ خود را درک کنند» (Garris, 2023). آنها باید این قدرت را در راستای افزایش قدرت نرم کشور خود به خدمت گیرند.

اکنون رهبران فناوری جهان می‌کوشند تا استانداردهای مربوط به استفاده از فناوری‌های جدی همچون نسل جدید اینترنت، هوش مصنوعی و... را نوشته و آن را بر سایر دولت‌ها تحمیل نمایند. قطعاً دولت‌هایی همچون آمریکا که تعداد بیشتری از این شرکت‌ها را در داخل کشور خود به ثبت رسانده‌اند فرصت‌های بیشتری برای نقش آفرینی در این حوزه خواهند داشت. به همین خاطر دولت‌ها می‌کوشند تا فرصت‌های بیشتری برای میزبانی از این شرکت‌ها فراهم سازند. آنها به خوبی درک نموده‌اند که اگرچه در قدرت سخت از نوع نظامی و اقتصادی ممکن است هیچگاه نتوانند به سطح آمریکا، چین، انگلیس و... برسند اما می‌توانند با میزبانی از شرکت‌های فناوری در حوزه قدرت نرم اثرگذاری لازم را داشته باشند. سنگاپور یکی از این کشورها کوچک و پرجمعیت است که نشان داده است چگونه فناوری می‌تواند به تولید قدرت نرم این دولت کمک نماید (Thuy, 2021).

در حال حاضر شرکت‌های برجسته در حوزه فناوری و هوش مصنوعی در آمریکا مستقر هستند و فرصت بی‌نظیری برای این کشور خلق کرده‌اند. موسسه مهندسی برق و الکترونیک<sup>1</sup> در آمریکا یکی از این موسسات پیشرو است که می‌کوشد به نقش آفرینی در خصوص تنظیم قواعد و مقررات مربوط به بهره‌گیری از فناوری‌های جدید پردازد. در وبگاه این موسسه آمده است: «اعضای موسسه از طریق انتشارات، کنفرانس‌ها، استانداردهای فناوری، و فعالیت‌های حرفه‌ای و آموزشی بدنال جامعه جهانی

<sup>1</sup> The Institute for Electrical & Electronics Engineers (IEEE)

مبتنی بر نوآوری هستند که فردایی بهتر را رقم زند» (IEEE, 2023). آنها به مرجعی جهانی در حوزه اطلاعات مهندسی، محاسباتی و فناوری تبدیل شده‌اند و این امر می‌تواند برای آمریکا تولید قدرت نرم نماید. همچنین باید از نقش پروژه مشارکت نسل سوم<sup>۱</sup> نام برد که گروهی کاری متشکل از نمایندگان شرکت‌های مختلف هستند که به طور منظم به بحث در مورد نگرانی‌های جاری و همچنین پیامدهای بلندمدت برای مخابرات جهانی می‌پردازند و اکنون به مرجعی جهانی در این خصوص تبدیل شده‌اند (GPP3, 2023).

اتحاد راه حل‌های صنعت مخابرات<sup>۲</sup> شرکت بعدی سیاستگذار در حوزه فناوری‌های جدید است که در آمریکا مستقر است. بر اساس دستورالعمل قرار گرفته بر روی وبگاه آنها «دستور کار نوآوری آنها بر روی فناوری‌های نوظهور، از جمله G5، هوش مصنوعی، امنیت سایبری، شهرهای هوشمند، فناوری‌های جدید، وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین و غیره متمرکز شده است» (ATIS, 2023).

### ۳-۴ سیاست خارجی و تصویرسازی مثبت

همانگونه که جوزف نای توضیح می‌دهد «سیاست خارجی در صورتی که مشروع، موجه و دارای اقتدار اخلاقی باشد، در زمره منابع قدرت نرم محسوب می‌شود» و سیاست خارجی که مبتنی بر زور و اقدامات نامشروع در عرصه بین‌المللی باشد را نمی‌توان سازنده قدرت نرم در نظر گرفت (Nye, 2004: 21-43). نکته‌ای که از سوی الکساندر ال ووینگ<sup>۳</sup> نیز مورد تأکید قرار گرفته و او نیز معتقد است «منابع قدرت باید مبتنی بر خیرخواهی، شکوه و زیبایی باشند و به ارتقای منزلت بین‌المللی یک کشور بینجامد» (ووینگ، ۱۳۸۸: ۱۳۶). در عین حال باید در نظر داشت که منابع قدرت نرم همواره ثابت نیستند و در گذر زمان متناسب با بسترها و شرایط ممکن است تغییر پیدا کنند (باقری دولت‌آبادی، ۱۴۰۰: ۲۳۰).

در حال حاضر دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولید شده به فراسوی مرزهای جغرافیایی می‌باشند، تا یکی از ابزارهای اعمال قدرت را در کنار قدرت سیاسی و نظامی (قدرت سخت) همراه خود نموده و با بهره‌گیری از مکانیسم اقتناع فرهنگی به جای کاربرد زور، اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع و اهداف خود هم‌سو

<sup>1</sup> Third Generation Partnership Project (3GPP)

<sup>2</sup> The Alliance for Telecommunications Industry Solutions (ATIS)

<sup>3</sup> Alexander L. Vuving

نمایند (Bagheri Dolatabadi, Beigi & Choul, 2020:110).

شرکت‌های فناوری و محصولات مصرفی آنها می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی به برداشت مردم و تصویرسازی مثبت از دولت‌های خود ایفا کنند. برای مثال، در حال حاضر آیفون اپل به نماد جهانی تبدیل شده است. نوآوری و طراحی آمریکایی این محصول کمک قابل توجهی به معرفی آمریکا به عنوان کشوری از نظر فناوری پیشرفته و خلاق کرده است. به طور مشابه، گوشی‌های هوشمند و سایر محصولات هوآوی، شیائومی و غیره به تثبیت چین به عنوان یک بازیگر اصلی در صنعت فناوری جهانی و به درک چین به عنوان یک قدرت رو به رشد کمک کرده‌اند. محبوبیت و شهرت این شرکت‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر درک مردم از کشورهای مربوطه داشته باشد. به عنوان مثال، شخصی که از آیفون استفاده می‌کند ممکن است آن را با نوآوری و کیفیت آمریکایی مرتبط کند و در نتیجه ممکن است آمریکا را مثبت‌تر ببیند. علاوه بر این، شرکت‌های فناوری پیشرفته اغلب با فرهنگ و ارزش‌های یک کشور مرتبط هستند و آن را بازتاب می‌دهند. به عنوان مثال، شهرت اپل برای نوآوری، خلاقیت و فردگرایی منعکس‌کننده بسیاری از ارزش‌هایی است که اغلب با فرهنگ آمریکایی مرتبط است. به طور مشابه، تأکید هوآوی بر کار تیمی، همکاری و هماهنگی منعکس‌کننده بسیاری از ارزش‌هایی است که اغلب با فرهنگ چینی مرتبط است. به این ترتیب، این شرکت‌ها و محصولات آن‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای ارتقای قدرت نرم یک کشور و شکل‌دهی به برداشت جهانی از آن کشور عمل کنند (Ma, 2023).

در کنار آمریکا به عنوان یکی از کشورهای پیش‌تاز در عرصه هوش مصنوعی چین به شدت در تلاش است تا خود را به عنوان یکی از دولت‌های پیشرو در حوزه هوش مصنوعی نشان دهد. این کشور که تا چند سال پیش تنها از طریق معرفی اقتصاد پیش رو و رشد شتابان، خود را به جهان معرفی می‌کرد اکنون می‌کوشد تا با هوش مصنوعی و فناوری‌های جدید ابزارهای قدرت نرم خود را پیشرفته‌تر سازد. در دنیایی که جوانان آن با بازی‌های دیجیتال سرگرم می‌شوند و هر روز تکنولوژی‌های جدید در حوزه سرگرمی و آموزش به دنیا معرفی می‌گردد چین به بازیگری فعال تبدیل شده است. بنابراین به گفته رامون ماریا رومنو<sup>1</sup> «شرکت‌های فناوری پیشرو، بازیگران اصلی ترسیم تصویر یک کشور [در بیرون] هستند. شرکت‌های فناوری چینی نیز بخشی از این فرآیند هستند و بسیاری از آنها حضور جهانی دارند. آنها شامل تولیدکنندگان دستگاه‌های دیجیتال مانند هوآوی و شیائومی، بازارهای آنلاین

<sup>1</sup> Ramón María Moreno

انواع کالاها مانند علی بابا و شبکه های اجتماعی مانند تیک تاک می شوند» (Moreno, 2023:26). همانطور که برندهای چینی جای پای خود را در خارج از کشور گسترش می دهند، آنها به سفیران انقلاب فناوری چین تبدیل می شوند و روندها و فرهنگ محصولات دیجیتال چین را تقویت می کنند (Parra, 2023: 31).

در یک ژئوپلیتیک در حال گذار، که به دنبال تطبیق نقش بازیگران جدید در عرصه جهانی در مواجهه با چالش های ناشی از وضعیت بین المللی است، رقابت رو به رشد تکنولوژیک بین آمریکا و چین، ژئوپلیتیک فناوری را به محور اصلی مبارزه برای هژمونی جهانی تبدیل کرده است. به طور خلاصه، در دنیایی که به طور فزاینده ای به هم پیوسته و در هم تنیده است، کشورها ملزم هستند که به توسعه فناوری پرداخته و ترکیبی از رقابت فناوری و قدرت نرم را به کار گیرند (Parra, 2023:31). امروزه هوش مصنوعی هسته اصلی انقلاب علمی معاصر است. قهرمانان سیاسی، ایدئولوگ ها و دانشمندان نمی توانند ابزارها و پارادایم های مفهومی جدید آن را نادیده بگیرند (Valladao, 2018:10). هوش مصنوعی به سرعت در حال تغییر پویایی قدرت جهانی است و عصر جدیدی از رقابت ژئوپلیتیکی را نوید می دهد. کشورهایی که بر این فناوری تسلط دارند، در حال به دست آوردن برتری قابل توجهی در حوزه های اقتصادی، نظامی و سیاسی هستند و در نتیجه ساختارهای سنتی قدرت را تغییر می دهند.

## ۵- هوش مصنوعی و ابزارهای قدرت نرم

یکی از منابع قدرت نرم که جی. لی<sup>۱</sup> به منابع سه گانه ذکر شده توسط جوزف نای اضافه می کند «تغییر نگرش و ترجیحات مردم خارجی» است (تقوی رضوانی و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۸). این کار غالباً از طریق به خدمت گرفتن رسانه و ابزارهای ارتباطی صورت می پذیرد. به اعتقاد نای «پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید به رشد روزافزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است؛ امروزه این قدرت، نقشی مهم در عرصه روابط بین الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته اس.» (Nye, 2004). پیش از نای، آلوین تافلر با طرح مفاهیمی همچون انقلاب ارتباطات و انقلاب دیجیتالی از نقشی که رسانه ها در عصر جدید ایفا خواهند کرد پرده برداشته بود. او اشاره کرد در بحران های سیاسی آینده جهان، تاکتیک های اطلاعاتی حرف اول را خواهند زد و این تاکتیک ها

<sup>1</sup> G. Lee

چیزی نیستند جز قدرت دستکاری در اطلاعات. بنابراین عرصه نبرد را فرستنده‌ها، رسانه‌ها، پیام‌ها، پیام گیران و پیام‌سازان شکل خواهند داد (تافلر، ۱۳۷۵: ۲۷).

تاکنون بشر چهار موج انقلاب علمی را تجربه کرده است: انقلاب اول صنعتی به پدیده ماشینی‌سازی صنعت با استفاده از نیروی بخار مربوط بود. انقلاب دوم صنعتی به پدیده تولید انبوه با استفاده از نیروی برق پرداخت و انقلاب سوم صنعتی پدیده گسترش اتوماسیون در کارخانه‌ها با استفاده از فناوری‌های دیجیتال را به همراه آورد. انقلاب چهارم گسترش سیستم‌های سایبری-فیزیکی است. منظور از این انقلاب استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظرفیت‌های سایبری و مجازی برای کمک و تکمیل صنایع فیزیکی است. به اعتقاد کلاوس شواب<sup>۱</sup> فناوری موج چهارم «طیفی از فناوری‌های نوین، جهان‌های فیزیکی، دیجیتال و بیولوژیک را در هم ادغام می‌کند، بر همه حوزه‌های علمی، اقتصادی و صنعتی تأثیر می‌گذارند، و حتی نظریات ما درباره معنای «انسان بودن» را نیز دست‌خوش تغییر و تحول می‌نمایند» (Schwab, 2023).

با انقلاب صنعتی چهارم، استفاده از فناوری هوش مصنوعی در جنگ‌های غیرمستقیم دولت‌ها علیه همدیگر به تدریج افزایش خواهد یافت و ابزارهای جدیدی هم در بخش قدرت نرم و هم جنگ نرم شکل خواهد گرفت. به گفته الاین کاماراک<sup>۲</sup> «تا زمانی که هوشیار نباشیم، دنیای جدید هوش مصنوعی این پتانسیل را دارد که در سال‌های آینده به سلاح خطرناک‌تری تبدیل شود» (Kamark, 2018:1). به همین خاطر نهادهای امنیتی-اطلاعاتی کشورها که وظیفه پیگیری جنگ نرم را برعهده دارند درصدد برخواهند آمد تا با بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی به شکل دادن ذهنیت‌ها، برداشت‌ها، باورها، تصورات، اعتقادات و... شهروندان کشورهای هدف اقدام ورزند (Seol & Bae, 2023:1). هوش مصنوعی مولد همچون چت جی.پی.تی<sup>۳</sup> این امکان را به کاربران خواهد داد تا در کمترین زمان ممکن داده‌های لازم برای تولید هر محتوایی را بدست آورده و آن را به زبان‌های مختلف با سرعت بالا در فضای مجازی نشر دهند. در این معادله کارگزار انسانی از هوش مصنوعی یک گام عقب مانده و پیوسته باید نسبت به داده‌های تولید شده واکنش نشان دهد. به همین خاطر در عصر جهانی شدن و گسترش سرعت

<sup>1</sup> Klaus Schwab

<sup>2</sup> Elaine Kamarck

<sup>3</sup> ChatGPT

ایتترنت و شبکه های مجازی نمی توان قدرت هوش مصنوعی را نادیده گرفت. هوش مصنوعی نقشی را که پیشتر افراد برای جمع‌آوری اطلاعات، دسته بندی آنها، محاسبات و تولید محتوا انجام می‌دادند برعهده گرفته و قادر گردیده است بهتر از انسان به تولید داده بپردازد. به همین خاطر انتظار می‌رود در آینده خیلی نزدیک به شکلی عمیق‌تر در زندگی انسان‌ها رسوخ پیدا نماید (Kwon, 2021: 35-74). همین عامل موجب شده است که برخی تحلیلگران نسبت به هوش مصنوعی و آینده‌ای که در حال رقم خوردن است ابراز نگرانی کنند. سانگو جو<sup>۱</sup> در این باره می‌نویسد: «وقتی هوش مصنوعی به طور مستقل عمل می‌کند، تصمیماتی نادرست با استانداردهای اخلاقی متفاوت از انسان می‌گیرد که تعیین مسوولیت و مقررات برای آن در جنگ اطلاعاتی دشوار است. استفاده مستمر از فناوری هوش مصنوعی در جنگ اطلاعاتی می‌تواند اجتماعی بودن انسان را به کلی از بین ببرد و به منافع کشور خسارت وارد نماید» (Jo, 2023:26).

### نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی به سرعت در حال فراگرفتن امور مختلف زندگی بشری و جایگزین شدن به جای انسان است. اگر تا دیروز دولت‌ها و کارگزاران دولتی وظیفه نشر قدرت نرم را برعهده داشتند در حال حاضر این نقش در حال واگذاری به هوش مصنوعی است که قادر است این کار را به صورت هوشمندانه، هدفمند، دقیق و سریعتر از انسان انجام دهد. هوش مصنوعی قادر است همچون انسان بیندیشد، یادبگیرد، تجزیه و تحلیل نماید و دست به پیش‌بینی زند. چنین خصوصیتی به هوش مصنوعی این امکان را می‌دهد تا با ارزیابی جامعه هدف بهترین شیوه‌ها برای نشر قدرت نرم در آن کشور را تجزیه و تحلیل نموده و بر اساس آن دست به اقدام زند. این فناوری بسیاری از محدودیت‌های سابق دولت‌ها و کارگزاران آنها برای حضور در جامعه هدف، دسترسی به مخاطبین، کسب اجازه از کارگزاران آن دولت‌ها برای برگزاری برنامه‌های فرهنگی و... را نداشته و در بستر فضای مجازی، تالارهای گفتگو و اطلاع رسانی، اپلیکیشن‌های مختلف و موتورهای جستجوگر و... وظیفه خود را انجام خواهد داد. دسترسی پیدا کردن شهروندان به نسل‌های جدید گوشی‌های هوشمند و ایتترنت G5 در بستر نسل چهارم انقلاب صنعتی نیز این امکان

<sup>1</sup> Sunggu Jo



را به هوش مصنوعی داده است تا در عمق خانه‌ها و اماکن اداری و غیراداری دولت‌ها رسوخ کرده و نسبت به تغییر باورها، ذهنیت‌ها و تصویرها اقدام نماید. تا اینجای کار چندین دولت از جمله آمریکا، چین، آلمان، انگلیس، روسیه و ژاپن موفق شده‌اند تا به واسطه پیشرفت‌های که در این حوزه کسب کرده‌اند نسبت به تصویرسازی مثبت از دولت‌های خود در عرصه جهانی اقدام نمایند. این موفقیت، دولت‌های دیگر را نیز تشویق به پیمودن این مسیر ساخته است. اما دستاوردهای هوش مصنوعی در حوزه قدرت نرم به تصویرسازی مثبت از دولت‌ها خلاصه نگردیده و دارندگان این فناوری در حال بهره گرفتن از آن در عرصه صنعت و اقتصاد خود برای کسب جایگاه‌های بهتر جهانی هستند. اگرچه اقتصاد در مقایسه با فرهنگ نقش کمتری در قدرت نرم دولت‌ها ایفا خواهد نمود اما بدون دراختیار داشتن یک اقتصاد موفق و پیشرو در جهان امکان سرمایه‌گذاری در حوزه سیاست و فرهنگ نیز وجود نخواهد داشت. نسل چهارم فناوری که با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در حال فعالیت است در حال کنار گذاشتن انسان از چرخه تولید و انجام امور به شیوه کاملاً ماشینی و صنعتی است. این فناوری شکاف بین دولت‌ها به لحاظ رشد اقتصادی و کیفیت محصولات را بیشتر ساخته به بهبود جایگاه و تصویر مثبت جهانی از آنها کمک خواهد نمود. این نتایج منجر به این گشته که دولت‌ها سعی نمایند رقابت در حوزه علم و فناوری که در زمره منابع قدرت نرم هم قرار دارد سرعت بخشیده و سرمایه‌گذاری بیشتری در آن انجام دهند. ماحصل این سرمایه‌گذاری می‌تواند خود را در منابع مختلف قدرت نرم از جمله فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، سیاست خارجی مشروع و اخلاق‌مند نشان دهد. در حوزه فرهنگ بسیاری از محصولات فرهنگی از جمله موسیقی، فیلم، تصاویر، فایل‌های صوتی و تصویری در بستر هوش مصنوعی بر بسیاری از محدودیت‌های سابق فائق آمده و متناسب با سلیقه جهانی و نیاز بازار در حال عرضه شدن هستند. این محصولات با کمک هوش مصنوعی علاوه بر تنوع یافتن، در بخش تولید و پخش نیز سرعت بالاتری را تجربه می‌نمایند. به همین خاطر امروزه در کمترین زمان ممکن یک اثر هنری در سراسر دنیا می‌تواند پربازدید شده و مورد اقبال قرارگیرد. این فناوری در عرصه سیاست نیز این امکان را به سیاستمداران می‌دهد تا ارزشهایی همچون آزادی، تجارت، دموکراسی و حقوق بشر را در سراسر جهان گسترش داده و حتی بر انتخاب شهروندان به هنگام انتخابات تأثیرگذارند. تولید انواع فایل‌های صوتی و تصویری که امکان تشخیص واقعی و غیرواقعی بودن آن وجود ندارد می‌تواند در کسری از ثانیه شهرت، اعتبار و جایگاه مقامات سیاسی و چهره‌های

مشهور را مخدوش سازد. هوش مصنوعی می تواند به دولت ها کمک نماید تا بر محدودیت جلب موافقت افکار عمومی برای پیگیری سیاست خارجی برنامه ریزی شده خود، فائق آمده و آسان تر اهداف ترسیم شده را دنبال نمایند. آنها قادر خواهند گشت با تولید محتوای مختلف به زبان های گوناگون و به اشکال متنی، تصویری و صوتی آنچه را در حال انجام دادن هستند مشروع، قانونی و موجه جلوه دهند. قدرت تجزیه و تحلیل داده های گوناگون گردآوری شده از سراسر جهان در سریعترین زمان ممکن به کارگزاران دولتی این فرصت را خواهد داد تا بهترین سیاستگذاری را برای دیپلماسی فرهنگی و عمومی انجام دهند. لذا باید گفت با فرو ریختن مرز واقعیت و دروغ در بستر هوش مصنوعی، به موازات قدرت نرم، شکل جنگ نرم و جنگ رسانه ای نیز تغییر کرده و در آینده نزدیک باید منتظر متحول شدن این حوزه بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## منابع

- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۴۰۰). دیپلماسی سلامت به مثابه قدرت نرم: تجربه‌هایی از برزیل و کوبا برای ایران، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۱)، ۲۶۰-۲۲۵.
- تافلر، آلون (۱۳۷۵). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ چهاردهم، تهران: آسمان.
- تقوی رضوانی، فاطمه و دیگران (۱۴۰۲). رسانه‌های نوین ابزار قدرت نرم در دیپلماسی دولت‌ها، مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۱)، ۵۶-۲۹.
- شیلر، هربرت (۱۳۷۷). وسایل ارتباطی جمعی و امپراتوری امریکا، ترجمه احمد عابدینی، تهران: نشر سروش.
- ووینگ، الکساندر. ال (۱۳۸۱). کارکرد قدرت نرم، ترجمه مهرداد مرادی، سیاست راهبردی، ۱(۴)، ۱۲۹-۱۵۱.
- هرسیج، حسین و دیگران (۱۳۹۳). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، ۴(۱۱)، ۱۰۷-۱۲۶.
- Arcesati, R. (2021), "Lofty Principles, Conflicting Incentives: AI Ethics and Governance in China", MERICS, June 24, <https://merics.org/en/report/lofty-principles-conflicting-incentives-ai-ethics-and->
- ATIS (2023), "Advancing ICT Industry Transformation", ATIS, <https://www.atis.org/wp-content/uploads/2023/02/2023-Overview-2-4.pdf>
- Bagheri Dolatabadi, Ali; Beigi, Mehdi; Choul, A'icha (2020), "Understanding the Power of Hezbollah: the Secret to its Victories, and its Permanence in the Lebanese Political Arena", Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution, Vol.2, No.4, pp. 109-129.
- Bartoletti, Ivana (2023), "An Artificial Revolution: On Power, Politics & AI", Indigo Press, <https://theindigopress.com/product/an-artificial-revolution-paperback/>
- Blomquist, K. (2022), In Pursuit of (Soft) Power: Chinese Artificial Intelligence Governance in an Age of Great Power Competition, University of Harvard: the Oxford Internet Institute, <https://ora.ox.ac.uk/objects/uuid:a0387253->

- cee7-43a4 b3fcfa5ceb7fa42e/download\_file?file\_ format= application%2Fpdf&safe\_filename=Blomquist\_2022\_in\_pursuit\_of.pdf&ty pe\_of\_work=Thesis
- Carnegie Endowment for International Peace (2019), "What the Machine Learning Value Chain Means for Geopolitics", Carnegie Endowment for International Peace, [https://carnegieendowment.org/files/7-1-19\\_Stanton\\_etal\\_Machine\\_Learning.pdf](https://carnegieendowment.org/files/7-1-19_Stanton_etal_Machine_Learning.pdf).
- Chitty, Naren; Dias, Sabina (2017), "Artificial Intelligence, Soft Power and Social Transformation", *Journal of Content, Community & Communication Amity*, Vol. 6, No. 3, pp. 1-14.
- Frąckiewicz, Marcin (2023), "The Impact of Artificial Intelligence on the Evolution of Global Power Dynamics", Website of TS2, 31 August, <https://ts2.space/en/artificial-intelligence-and-the-evolution-of-global-power-dynamics/#gsc.tab=0>
- Garris, Lonnie (2023), "Technology and The New Digital Soft Power", *The National CIO Review*, <https://nationalcioreview.com/articles-insights/information-security/technology-and-the-new-digital-soft-power/governance-china>
- GPP3 (2023), "Third Generation Partnership Project (3GPP)", GPP3, <https://www.3gpp.org/>
- Hudson, Valerie M. (2020), *Artificial Intelligence and International Politics*, Oxfordshire: Routledge.
- IEEE (2023), "IEEE Global Public Policy", IEEE, <https://www.ieee.org/about/index.html>
- Jo, Sunggu (2023), "Soft Power in Northeast Asia, Using AI in Information Warfare", *Robotics & AI Ethics*, Vol. 8, No.0, pp. 23-36.
- Kamark, Elaine (2018), "Malevolent Soft Power, AI, and the Threat to Democracy", *Brookings*, November 29, <https://www.brookings.edu/articles/malevolent-soft-power-ai-and-the-threat-to-democracy/>
- Kissinger, H. (2018), "How the Enlightenment Ends", *The Atlantic*, <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2018/06/henry-kissinger-ai-could-mean-the-end-of-human-history/559124/>.
- Kumar, Abhinav; Batarseh, Feras A. (2020), "The Use of Robots and Artificial Intelligence in War", *London School of Economics Business Review*, February 17, <https://blogs.lse.ac.uk/businessreview/2020/02/17/the-use-of-robots-and-artificial-intelligence-in-war/>.
- Kwon, SJ. (2021), "A Study on cyber security in the age of artificial intelligence (AI)", *Human Rights Law Review*, Vol.27, pp.35-74
- Lee, Shin-Wha (2011), "The Theory and Reality of Soft Power: Practical Approaches in East Asia", in: Lee, S.J.; Melissen, J. (eds.) *Public*

- Diplomacy and Soft Power in East Asia, New York: Palgrave Macmillan, pp.11-32.
- Ma, Bin (2023), "Fuel the Soft Power: The Role of High Tech Companies in the Soft Power Rivalry between China and United States", IE China Center, file:///C:/Users/persianRK/Downloads/Fuel-the-Soft-Power-The-Role-High-Tech-Companies-in-the-Soft-Power-Rivalry-between-China-and-the-United-States.pdf
- Mckinsey (2023), "What is AI?" Website of Mckinsey, April 24, <https://www.mckinsey.com/featured-insights/mckinsey-explainers/what-is-ai>
- Mearsheimer, John J. (2013), "Structural Realism", In: International Relations Theories: Discipline and Diversity, Tim Dunne, Milja Kurki, and Steve Smith(eds.), pp. 77–93. New York: Oxford University Press.
- Moreno, Ramón María (2023), "Technology and Soft Power: China's Rise as a Global Player", IE China Center, file:///C:/Users/persianRK/Downloads/Fuel-the-Soft-Power-The-Role-High-Tech-Companies-in-the-Soft-Power-Rivalry-between-China-and-the-United-States.pdf
- Nye, J. S. (1990), "Soft Power", Foreign Policy, Vol.80, pp.153–171.
- Nye, J. S. (2012), "China and Soft Power", South African Journal of International Affairs, Vol.19, No.2, pp.151–155.
- Nye, J. S. (2021), "Soft Power: The Evolution of a Concept", Journal of Political Power, Vol.14, No.1, pp.196–208.
- Nye, J. S. (2020), "Soft Power 2.0: The Future of Power in the Digital Age", Dubai Policy Review, <https://dubaipolicyreview.ae/soft-power-2-0/>
- Nye, Joseph Samuel (2004), Soft Power: The means to success in world politics, New York: Public Affairs.
- Parra, Agudea (2023), "Technological Soft Power, the New Face of Diplomacy", IE China Center, file:///C:/Users/persianRK/Downloads/Fuel-the-Soft-Power-The-Role-High-Tech-Companies-in-the-Soft-Power-Rivalry-between-China-and-the-United-States.pdf
- Schliebs, M.; Bailey, H.; Bright, J.; Howard, P. (2021), "China's Public Diplomacy Operations: Understanding Engagement and Inauthentic Amplification of PRC Diplomats on Facebook and Twitter", <https://demtech.oii.ox.ac.uk/research/posts/chinas-public-diplomacy-operations-understanding-engagement-and-inauthentic-amplification-of-chinese-diplomats-on-facebook-and-twitter/#continue>
- Schneier, Bruce (2023), "AI Disinformation is a Threat to Elections – Learning to Spot Russian, Chinese and Iranian Meddling in Other Countries can Help the US Prepare for 2024", The Conversation, <https://theconversation.com/ai-disinformation-is-a-threat-to-elections->

- learning-to-spot-russian-chinese-and-iranian-meddling-in-other-countries-can-help-the-us-prepare-for-2024-214358
- Schwab, Klaus (2023), "The Fourth Industrial Revolution", World Economic Forum, <https://www.weforum.org/pages/the-fourth-industrial-revolution-by-klaus-schwab/>
- Seol, IH; Bae, HY (2023), "The Ukrainian War and Future Warfare: Implications for the Indo-Pacific Region and the Korean Peninsula", Journal of National Defense Studies, Vol.66, No.2, pp. 75-110.
- Shafiee Seifabadi, Mohsen; Bagheri Dolatabadi, Ali (2022), "COVID-19, Globalization and the Strengthening of Authoritarianism in the Middle East", Journal of Globalization Studies, Vol. 13 No. 1, pp. 135–157
- Thuy, Nguyen Thu (2021), "Singapore's Soft Power in global politics", CSCUBE, November 27, <https://www.cescube.com/vp-singapore-s-soft-power-in-global-politics>
- Valladao, Alferedo G.A (2018), "Artificial Intelligence and Political Science", OCP Policy Center, [https://www.policycenter.ma/sites/default/files/OCPPC-PP1807\\_0.pdf](https://www.policycenter.ma/sites/default/files/OCPPC-PP1807_0.pdf)
- Wang, H., Lu, Y.-C. (2008), "The Conception of Soft Power and its Policy Implications: A comparative study of China and Taiwan", Journal of Contemporary China, Vol.17, No.56, pp.425–447.

